



روزنامه چهل و چهارمین
جشنواره بین‌المللی فیلم فجر

فجر ۱۴۰۴
فصل نهم
چهارمین
تیرماه



«اسکورت»

حاتمی کیا چشم

منتقدان را گرفت



فجر ۱۴۰۴ در ۵۸ شهر

آغاز اکران فیلم‌های جشنواره
در شهرستان‌ها

سرگذشت

یک سلبریتی

گفت و گو با سعید دشتی
کارگردان فیلم «بیلورد»

بار دیگر شهری

که دوست می‌داشتیم

قایق سواری در تهران
به پردیس ملت رسید

مقاوت‌ترین فیلم

جشنواره را ساخته‌ایم

گفت و گو با جواد حبیبی
کارگردان فیلم «رقص باد»



یکی آن‌ها

تو را دوست دارد

امین حیایی بارها ثابت کرده که یکی از ۳ بازیگر بزرگ
مرد سینمای ایران در ۴ دهه گذشته است

«اسکورت» حاتمی کیا چشم منتقدان را گرفت

سرانجام فیلمی در پردیس ملت به نمایش درآمد که بیشتر منتقدان و روزنامه‌نگاران حاضر در پردیس ملت در مورد خوب بودنش اجماع داشتند. «اسکورت» ساخته یوسف حاتمی کیا که روز سه‌شنبه ۱۴ بهمن به نمایش درآمد، به‌عنوان یک فیلم پر تحرک و جذاب، توجه منتقدان را جلب کرد. پیشرفت حاتمی کیا یسر نسبت به فیلم قبلی‌اش «شب طلایی» کاملاً محسوس بود؛ به‌طوری که «اسکورت» در سومین شب جشنواره چهل و چهارم موفق شد تحسین اهالی رسانه را برانگیزد. «اسکورت» یک درام جاده‌ای استاندارد است که به دور از شعارزدگی، از دغدغه‌های اجتماعی مهمی حرف می‌زند و موقعیت‌های عاشقانه جذابی را پیش روی مخاطبانش می‌گذارد. حاتمی کیا که در فیلم اولش «شب طلایی» موفقیت چندانی به‌دست نیاورده بود، حالا با «اسکورت» ذهنیت مخاطبانش را تغییر داد و نامش را در فهرست کارگردان‌های جوان موفق سینما به ثبت رساند.

به دنبال دبیرخانه دائمی فیلم فجر

رئیس سازمان سینمایی می‌گوید: با ایجاد دبیرخانه دائمی و مستمر و همچنین از طریق گفت‌وگو با ذینفعان و فعالان این حوزه، می‌توانیم به یک فهم مشترک برسیم که این مسائل به تدریج تثبیت و جشنواره فجر هر سال بهتر و حرفه‌ای‌تر برگزار شود. فریدزاده درباره چهل و چهارمین جشنواره ملی فیلم فجر گفت: وقتی صحبت از دوره چهل و چهارم جشنواره می‌شود، مشخص است که با یک رویداد مستمر و مداوم سروکار داریم که با حافظه جمعی مردم گره خورده است. هر کدام از ما با جشنواره فیلم فجر ارتباطی داریم؛ بخشی از دوران نوجوانی مان، خاطرات و لحظات خوبمان با جشنواره فجر گره خورده است. وی ادامه داد: به تازگی با دوستانی صحبت می‌کردیم و به نظر می‌رسید که همین سیم‌ری که شما می‌بینید، حالا تبدیل به یکی از نمادهای ملی و هویت‌ساز دوران ما شده است. رئیس سازمان سینمایی با اشاره به این نکته که جشنواره فیلم فجر تنها یک رویداد سینمایی نیست، توضیح داد: ما با یک رویداد فرهنگی بزرگ مواجه هستیم که تمام ایران را درگیر می‌کند. این جشنواره شور و نشاط زیادی ایجاد می‌کند و فرصتی است برای مشارکت جمعی. از این نظر، جشنواره فجر را نمی‌توان با هیچ رویدادی در دنیا مقایسه کرد. فریدزاده درباره ویژگی‌های مهم این دوره از جشنواره بیان کرد: دوره چهل و چهارم جشنواره ویژگی خاصی دارد که به‌ویژه قابل توجه است؛ شما در این دوره اسامی بسیاری از افرادی را می‌بینید که برای نخستین بار فیلم ساخته‌اند. نه تنها کارگردان‌ها، بلکه فیلمبرداران، تدوینگران و طراحان صحنه‌ای که در این جشنواره حضور دارند، نشان‌دهنده این است که سینمای ایران چقدر استعداد دارد و چقدر نیروهای جوان و خلاق در آن وجود دارند.



فجر ۴۴ در ۸ شهر

جزئیاتی درباره آغاز اکران فیلم‌های جشنواره در شهرستان‌ها

از آثار حاضر در بخش سودای سیم‌رخ را نمایش خواهند داد. سینماها در سراسر کشور براساس انتخاب خود استان در جریان نمایش آثار جشنواره قرار گرفته‌اند. این مدیر سینمایی درباره نمایش مال و از سرگیری اکران فیلم‌های جشنواره در این مجموعه گفت: بعد از آتش‌سوزی رخ داده در منطقه‌ای در جنت آباد که نمایش مال در نزدیکی محل حریق بود، یک روز نمایش فیلم‌های جشنواره در این مجموعه متوقف شد. از روز چهارشنبه ۱۵ بهمن ماه نمایش فیلم‌ها از سر گرفته شد و در سانس‌های شبانه نمایش‌های لغوشده جبران می‌شود. فرجی تأکید کرد هیچ مشکلی برای نمایش فیلم‌ها در نمایش مال وجود ندارد.

محمدرضا فرجی با اشاره به اینکه اکران شهرستان‌های جشنواره ملی فجر از ۱۵ بهمن آغاز شده یادآوری کرد که ۵۸ شهر میزبان آثار جشنواره خواهند بود. او همچنین خبر از سرگیری اکران در نمایش مال را اعلام کرد. مدیرکل دفتر حقوقی، عملکرد، امور استان‌ها و مجلس سازمان سینمایی در سخنانی درباره شروع نمایش فیلم‌ها در شهرستان‌ها، گفت: ۵۸ شهر در استان‌های مختلف از روز پانزدهم بهمن ماه آثار راه یافته به جشنواره فیلم فجر را به نمایش می‌گذارند. پیش فروش بلیت‌های جشنواره در شهرستان‌ها نیز از ۴۸ ساعت قبل شروع شده بود و مخاطبان بلیت آثار منتخب خود را خریداری کرده بودند. او ادامه داد: سینماهای جشنواره در سراسر کشور ۳۱ فیلم

۵ سال تلاش برای ساخت «دختر پری خانوم»

نشست خبری فیلم سینمایی «دختر پری خانم» به کارگردانی علیرضا معتمدی و از آثار چهل و چهارمین جشنواره ملی فیلم فجر عصر روز چهارشنبه ۱۵ بهمن ماه با اجرای وحید رونقی در پردیس ملت برگزار شد. آنچه پیش رو دارید، گزیده‌ای از



صحبت‌های کارگردان فیلم «دختر پری خانوم» است. ضمن احترام به کسانی که در جشنواره شرکت نمی‌کنند، من فکر می‌کنم از همه روزنه‌ها و امکانات موجود باید استفاده کرد و کار کرد؛ هر کسی به اندازه وسع خود عمل کند. فیلمسازی یک امر یک‌شبه نیست. ۵ سال است که درگیر ساخت «دختر پری خانم» هستم. مشقات زیادی برای دریافت پروانه کشیدم. مسیرهای طولانی طی شد تا در کنار دوستان با عشق و انگیزه آن را بسازیم. فکر می‌کنم حرف و دیدگاه خودمان را در فیلم بیان کردیم. در هر فیلم ایده و فیلمنامه از این نقطه شکل گرفته است که در حال به هم پیوستن تکه‌هایی از وجود خودم هستم، در جست‌وجوی معنادادن به زندگی خودم هستم.

فیلم اول من با نام «رضا» درباره تنهایی بود. «چرا گریه نمی‌کنی» درباره از دست دادن چیزی بود که خیلی برایش تلاش کرده‌ای. بعد در «دختر پری خانم» متوجه شدم چرا آن را ساختم؛ مادرم را در سنین جوانی در حادثه تصادف از دست دادم و برای من ترومای وحشتناکی بود. چندبار به سمتش رفتم تا فیلمی بسازم اما نتوانستم.

در زمانی که فیلم را می‌ساختم، فهمیدم در همه این سال‌ها نیاز داشتم یک نفر به من بگوید ممکن است یک روزی مادرت بیاید و زنده شود. دلیل نهفته در ساخت این فیلم همین بود.

پرتره چمران جنوب در «مارون»

نشست پرسش و پاسخ فیلم سینمایی «مارون» ساخته امیراحمد انصاری به‌عنوان نخستین نشست پنجمین روز چهل و چهارمین جشنواره ملی فیلم فجر چهارشنبه ۱۵ بهمن در سالن ۱۲ پردیس ملت برگزار شد. این نشست با



حضور امیراحمد انصاری کارگردان، داود محمدی مدیر فیلمبرداری، مهدی صاحبی تهیه‌کننده و بهنام خاکسار طراح جلوه‌های ویژه با اجرای وحید رونقی برگزار شد. کارگردان فیلم «مارون» در این نشست چنین گفت: شخصیت هدایت‌الله طیب نخبه علمی بود. در شهر تالاهاسی فلوریدا مهندسی کشاورزی خوانده بود و از نظر نظامی هم هوش بسیار بالایی داشت. او به چمران جنوب معروف بود و این‌ها به ما ایده جذابی داد تا بخشی از زندگی او را برای یک بیوگرافی متفاوت انتخاب کنیم و ژانر را به سمت جاسوسی اکشن ببریم که نسل جدید هم با آن ارتباط برقرار کند. اکثر فیلم‌ها در ایران و پلان‌های کوتاهی در تالاهاسی آمریکا فیلمبرداری شد. مثل همه بیوگرافی‌های دنیا ما هم این فیلم را دراماتیزه می‌کنیم تا نبض تماشاگر را در دست بگیرد.

کارگردان «مارون» درباره لهجه بازیگر نقش اصلی گفت: شخصیتی که در فیلم داشتیم، سال‌های زیادی در آمریکا بوده است و به‌نظرم امیرحسین فتحی لهجه و بیان او را خوب اجرا کرد. ما ۲۲ دقیقه جلوه‌های بصری داشتیم، پلان‌های کروماکی و پلان‌های فلوریدا و جلوه‌های میدانی عملیات فتح‌المبین و مباران بندر ماهشهر از جمله این بخش‌هاست. همه این‌ها در بندر انزلی فیلمبرداری شد و امکان جلوه‌های میدانی نبود و با جلوه‌های بصری انجام شد.

“

برای بازیگری که هر سال تماشایش می‌کنیم و با آغاز هر نمایش باز همه چیز درباره توانایی‌اش را دوباره بیان می‌کند، تا ما دوباره متقاعد شویم که او همچنان بازیگر بزرگی است. امسال نیز بدون شک او دوباره ما را متقاعد خواهد کرد که بازیگر بزرگی است و یک نفر آن بالا در انتهای همه نمایش‌ها حواسش به امین حیایی و حضورش هست؛ یکی آن بالا



یکی آن بالا تو را دوست دارد

امین حیایی بارها ثابت کرده که یکی از ۳ بازیگر بزرگ مرد سینمای ایران در ۴ دهه گذشته است

علیرضا محمودی

امین حیایی امسال در ۲ فیلم «استخر» ساخته سروش صحت و «بیلورد» ساخته سعید دشتی از فیلم‌های بخش سودای سیمرغ چهل و چهارمین جشنواره فیلم فجر حضور دارد؛ حضوری که بدون شک باعث اهمیت بیشتر این فیلم‌ها در رقابت با بقیه آثار این بخش می‌شود. حیایی بازیگری است که با

حضورش در هر فیلمی و با هر کیفیتی می‌تواند متضمن تماشای آن تا پایان فیلم باشد. این استعداد غیر قابل انکار و این نمایشگر همیشه محترم در طول ۴۰ سال گذشته در بیش از ۹۰ فیلم و سریال ایرانی حضور داشته و هر بار ثابت کرده که بازیگری قبل از هر چیزی ایمان متبلوری در جسم و روح به نمایش دادن است و امین حیایی بیش از همه بازیگران هم‌دوره و پس از خودش مومن به رستخیز نمایشگری باقی مانده.



بیلورد



شعله‌ور

از سال ۱۳۶۴ که بنیاد سینمایی فارابی تاسیس شد، هدف سینمای جدید ایران ایجاد شکلی از سینما بود که جای تکیه بر ستارگان متکی به کارگردان باشد. این ایده که کارگردانان جهان فیلم را می‌سازند و چون جهان بینی و محتوای فیلم مهم‌تر از بقیه ارکان سینماست، باید مورد توجه و ستایش قرار بگیرد، دوران ستاره شدن کارگردانان به جای بازیگران فرارسید.

بازیگران تئاتری و بازیگران تلویزیونی جای ستارگان سینمای قبل از انقلاب را گرفتند و بیانگری و محتوا به جای نمایشگری و اجرا مورد توجه قرار گرفت. بازیگران بازنشنسته از اداره تئاتر با همکاری فیلمسازان برآمده از سینمای آزاد با هم همکاری شدند تا با نسخه ناقص و کم‌بهره‌ای از نظریه مولف سینمای پس از انقلاب را شکل بدهند.

این دوران با رفتن آن مدیران و بی‌اثر شدن نظرات و ایده‌هایشان به فراموشی سپرده شد اما رسوب نگرش دهه شصتی به سینما هرگز از ذهن و نگرش بسیاری از منتقدان و علاقه‌مندان سینمای ایران پاک نشد. در دهه ۱۳۷۰ توجه به سرگرمی با فیلم اهمیت پیدا کرد. فروش فیلم‌های اکشن و تریلرهای مواد مخدوری و فیلم‌های جوان‌پسند مورد توجه قرار گرفت. بیانگری در سینما به عنوان بخشی از سینما

و نه همه سینما در برخی رسانه‌ها در مقالات و متون انتقادی بیان شد. در دفاتر سینمایی یافتن ستاره‌هایی که بتوانند بار تماشایی فیلم را به عنوان یک نمایش سرگرم‌کننده و نه یک بیانیه فلسفی بر دوش بکشند آغاز شد و ستارگانی در افق آسمان سینمای ایران شروع به درخشیدن کردند. امین حیایی در تمام دهه ۱۳۷۰ فیلم به فیلم موفق شد خود را تثبیت کند. اثبات استعدادی که هم ملودرام و هم کمدی را خوب از آب دربیآورد، نیاز به نمونه‌های بیشتری داشت. حیایی نه فیزیک چندان متفاوتی داشت و نه از جهان ورزش و موسیقی راهی دنیای سینما شده بود؛ او فقط یک بازیگر بود که پشتوانه‌اش دریایی از استعداد بود؛ بازیگری شش‌دانگ که از هر چالش پیروز بیرون آمد. آرام آرام نام امین حیایی در تیتراژها از اسم‌های سوم و چهارم به کپشن‌های اول رسید؛ به جایی که دیگر نامش در تیتراژها گل سرسبد اسامی عوامل بود. امین حیایی جلوی چشم ما در این سال‌ها بارها از ابتدا تا انتهای فیلم‌ها با حضورش چرخش قهرمانان و شخصیت‌های خوب و بد را نمایش داده. هر وقت زمین بازی برایش فراهم شده، زحمت کشیده و هیچ پاس گلی را بدون تغییر نتیجه هدر نداده است. او همیشه به اعتماد دیر

به‌دست آمده ما درباره استعدادش پاسخی قانع کننده داده؛ حتی اگر در فیلمی که تنها نقطه قابل اعتناش حضور او بوده و بس. در کمدی رمانتیک‌هایی که بازی کرده، به بازی اندازه و چشمگیری در «پسر تهرونی» و «کما» در مقابل بازیگران زن دقت کنید؛ نمونه‌ای برای همه جوان اول‌هایی که هنوز فرق حضور در یک فیلم عاشقانه خنده‌دار را درک نکرده‌اند. در ملودرام‌های تلخ، بازی‌اش را در «بیداری رویا» و «شعله‌ور»، در دو نقش عجیب مرور کنید. حضورش و تلواسه آدمی که قرار است سقوط را نمایش بدهد. «شارلاتان» و «کوکتل مولوتف» را به عنوان کمدی‌هایی از دو جهان فانتزی و تاریخی تماشا کنید. او در هر دو فیلم مجاب‌کننده است که بهترین انتخاب برای این فیلم‌ها بوده. حیایی بدون شک برای هر فیلم یک دستاورد بر جای گذاشت.

برای بازیگری که هر سال تماشایش می‌کنیم و با آغاز هر نمایش باز همه چیز درباره توانایی‌اش را دوباره بیان می‌کند، تا ما دوباره متقاعد شویم که او همچنان بازیگر بزرگی است. امسال نیز بدون شک او دوباره ما را متقاعد خواهد کرد که بازیگر بزرگی است و یک نفر آن بالا در انتهای همه نمایش‌ها حواسش به امین حیایی و حضورش هست؛ یکی آن بالا.

فیلم‌هایی که امروزی بینیم

بار دیگر شهری که دوست می‌داشتم

قایق سواری در تهران (رسول صدرعاملی)



ناهید پیشور

رسول صدرعاملی با گذر از ۷۰ سالگی همچنان فیلم می‌سازد. پس از موفقیت «زیبا صدایم کن» در جشنواره سال گذشته که سیمرغ بلورین بهترین فیلم را دریافت کرد، او امسال با «قایق سواری در تهران» به فیلم فجر آمده است. «زیبا صدایم کن» اقتباسی از رمان نوجوانانه محبوب فرهاد حسن‌زاده بود و «قایق سواری در تهران» که نامش از مجموعه شعر معروف محمدعلی سپانلو وام گرفته شده، براساس فیلمنامه‌ای از پیمان قاسم‌خانی ساخته شده است. این یعنی صدرعاملی در این سال‌ها بیش از گذشته به «متن» در آثارش اهمیت داده و به‌درستی متوجه شده که دلیل عدم توفیق فیلم‌هایش پس از «من ترانه ۱۵ سال دارم» بیشتر به فیلمنامه برمی‌گشته تا اجرا. «قایق سواری در تهران» مانند «زیبا صدایم کن» عاشقانه‌ای است درباره تهران؛ با این تفاوت که ظاهراً این بار با فیلمنامه‌ای پروپیمان‌تر سروکار داریم. با ۲ شخصیت محوری مهران (پیمان قاسم‌خانی) و هدیه (سحر دولتشاهی) و قرار سالانه رفقای قدیمی که تداعی‌کننده «ضیافت» کیمیایی هم هست. در شرایطی که سینمای متفاوت ایران سال‌هاست زیادی جدی و در مواردی عبوس بنظر می‌رسد، ظاهراً «قایق سواری در تهران» فیلم دلنشین و شیرینی از کار درآمده است.

زندگی خصوصی سوپرستار سینما بیلورد (سعید دشتی)

یکی از علایق تکرار شونده سینمای ایران، گرداندن دوربین به پشت صحنه و نمایش مناسبات و روابط اهالی سینماست. تا امروز فیلم‌های زیادی ساخته شده که موضوع اصلی‌شان خود سینما و آدم‌هایش بوده است. سعید دشتی هم که پیش از این چندین نمایش روی صحنه برده و فیلم‌های کوتاهی ساخته، در نخستین فیلم بلند سینمایی‌اش سراغ چنین دستمایه‌ای رفته و به زندگی سوپرستاری پرداخته که مشکلات زندگی شخصی، اعتبار عمومی‌اش را به چالش کشیده است. امین حیایی و آناهیتا درگاهی بازیگران اصلی این فیلم هستند و گفته می‌شود امین حیایی در این فیلم نقش متفاوتی ایفا کرده است.

عاشقانه‌ای در دل جنگ ۱۲ روزه رقص باد (سیدجواد حسینی)

میان فیلم‌هایی که با موضوع جنگ ۱۲ روزه ساخته شده و به جشنواره امسال آمده‌اند، «رقص باد» حال و هوا و فضا سازی متفاوتی دارد. سیدجواد حسینی با تجربه سال‌ها دستکاری کارگردان، برای روایت جنگ ۱۲ روزه، از لوکیشن‌های آشنا فاصله گرفته و دوربینش را به جزیره‌ای در جنوب برده و به روایت داستانی عاشقانه پرداخته است. بازگشت علیرضا شجاع نوری پس از سال‌ها دوری از سینما، در فراغتی که در میانه تولید سریال «سلمان فارسی» پیش آمده مهم‌ترین نکته درباره «رقص باد» است. امیدواریم پس از تماشای فیلم نکات جالب توجه دیگری هم درباره «رقص باد» به چشم بیاید.



روزنامه چهل و چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر

44nd
FAJR INTERNATIONAL
FILM FESTIVAL
پنجشنبه ۶ ایمن ۱۴۰۴ - شماره ۶

پرهزینه کم‌ریسک، کم‌اثر

سینمای تاریخی
در جشنواره فیلم فجر



احسان طهماسبی

سینمای تاریخی ایران سال‌هاست در بحران «شکل در مقابل محتوا» و همین‌طور دوگانگی هزینه‌های کلان تولید و قربایت بی‌واسطه با ارزش‌های رسمی فرهنگی گرفتار مانده است؛ اغلب آثار تولیدشده در این ژانر، به مسیرهایی امن و غیرچالشی تن می‌دهند تا امکان اکران بی‌دردسر در جشنواره‌های داخلی را بیابند و نتیجه نیز تولیداتی است که با وجود سرمایه‌گذاری بالا، کمتر توانسته‌اند تأثیر هنری و اجتماعی عمیقی در مخاطب و منتقد بر جای بگذارند؛ وضعیتی که به‌ویژه در دوره‌های اخیر جشنواره فجر بارها مورد بحث منتقدان قرار گرفته است. این سینما، همواره یکی از ژانرهای پرچالش و پرهزینه در سینمای ایران بوده که از یک‌سو نیازمند بودجه‌های سنگین برای بازسازی دقیق فضای تاریخی، طراحی لباس و دکوراسیون هستند و از سوی دیگر، با محدودیت‌های تولید و اقبال نسبی مخاطب مواجهند. بررسی فیلم‌های تاریخی حاضر در جشنواره فجر اخیر نیز نشان می‌دهد که بیشتر این پروژه‌ها گرایش به مسیر کم‌ریسک دارند؛ یعنی استفاده از روایت‌های مطمئن و شناخته‌شده، بازسازی‌های بصری چشم‌نواز اما فاقد نوآوری در روایتگری. این در حالی است که آثار برجسته جهانی این ژانر بیشتر با تمرکز بر تجربه انسانی و تعمق در مفاهیم عمیق‌تر، به شناخت بهتر مخاطب از تاریخ و پیامدهای آن، عمق می‌بخشد و برخلاف بسیاری از این آثار تاریخی سینمای ایران، این آثار نه‌فقط در جشنواره‌ها، بلکه در عرصه عمومی سینما (چه از لحاظ نقد و چه از لحاظ اقبال تماشاگران) نیز موفق بوده‌اند؛ نکته‌ای که در سینمای تاریخی جشنواره محور داخلی کمتر دیده شده است. به‌عنوان مثال، یکی از نمونه‌های برجسته این نوع سینما یعنی نبرد الجزیره (جیلو پونته کوروو)، بعد از درخشیدن در جشنواره‌های ونیز و اسکار، به‌رغم ساختار مستندگونه، با زبان قوی بصری و سیاسی‌اش توانست درک مخاطب از تاریخ را به پرسش بکشد و الهام‌بخش نسل‌های بعدی فیلمسازان باشد. نباید این نکته را فراموش کرد که از آنجاکه رویکرد داوری در جشنواره فجر، تنها براساس ارزش‌های صرف سینمایی نبوده و داوران غالباً بر مبنای طیف گسترده‌تری از معیارها در خصوص فیلم‌ها تصمیم‌گیری می‌کنند، عموماً در تقسیم‌جوایز، به فیلم‌هایی با مضامین تاریخی با رویکرد مذهبی یا هویت ملی توجه بیشتری می‌شود.



سرگذشت یک سلبریتی

گفت‌وگو با سعید دشتی
کارگردان فیلم «بیلورد»

فهمیده پناه‌آذر

سعید دشتی در این دوره از جشنواره فیلم فجر نخستین فیلم بلند خود را رونمایی می‌کند؛ بازیگر و کارگردان تئاتر که در این سال‌ها دستی در ساخت فیلم‌های کوتاه و مستند نیز دارد. او در تئاتر بازیگر و کارگردان موفق است و شاید بتوان گفت ساخت فیلم بلند و حضور حرفه‌ای در سینما بتواند او را به‌عنوان یک کارگردان مستعد سینما بشناساند. او با «بیلورد» در جشنواره حضور دارد؛ یک فیلم اجتماعی - معمایی که امین حیایی و آناهیتا درگاهی بازیگران اصلی آن هستند. این فیلم به‌گفته دشتی، یک فیلم مستقل اجتماعی است که محمدرضا مصباح و مهدی فتاحی تهیه‌کنندگی آن را بر عهده دارند.



مرد عبور از بحران

■ **منوچهر شاهسواری، دبیر چهل و چهارمین جشنواره فیلم فجر:** گاهی یادمان می‌رود که چه سرمایه‌هایی داریم. سرمایه‌هایی در جامعه موجودند که نقش یا حضوری ندارند اما به وقتش برای مرهم گذاشتن به زخم و برای همدلی و رفاقت حاضر هستند. دوستان اهل سینما می‌دانند هر گاه به بن‌بستی دچار شدیم، با منوچهر صحبت کردن، خروج از بحران بوده است. او بی‌حاشیه و بی‌سروصداست و بخش بزرگی از مسائل سینمای ایران با وجود او حل شده است. فکر می‌کردیم تا امروز از او تقدیر شده است. به اسناد مراجعه کردیم و دیدیم تا به حال هیچ تقدیری از او صورت نگرفته است.

ایفای نقش پدری برای سینمای ایران

■ **رئیس سازمان سینمایی:** آقای محمدی نقش پدری برای سینمای ایران دارد. پدر همیشه با شفت و دلسوزی نگران فرزندان خودش.

بزرگداشت منوچهر محمدی

مراسم بزرگداشت منوچهر محمدی، تهیه‌کننده باسابقه سینمای ایران عصر سه‌شنبه چهاردهم بهمن ۱۴۰۴ و در چهارمین روز نمایش فیلم‌ها در خانه جشنواره پیش از اکران فیلم سینمایی «سرزمین فرشته‌ها» در پردیس ملت برگزار شد. این بزرگداشت با حضور راند فریدزاده رئیس سازمان سینمایی، منوچهر شاهسواری دبیر جشنواره و عوامل فیلم «سرزمین فرشته‌ها» که محمدی تهیه‌کنندگی آن را بر عهده دارد، با اجرای سونیا پور یامین برگزار شد.

جشنواره بی داور



حافظ روحانی

چهل و چهارمین دوره جشنواره «ملی» فیلم فجر تا امروز که روزهای میانی اش را می گذرانند، داور ندارد؛ یک سنت شکنی دیگر در تاریخچه حالا نسبتاً طولانی این جشنواره؛ به خصوص که جشنواره فیلم فجر - مانند بسیاری از جشنواره های دیگر - لاقدر در دوره های متاخر ترش کوشیده بود تا اعضای هیأت داوران را با زرق و برقی در اندازه جشنواره کوچک منطقه ای اش معرفی کند. با این حال اگر در جشنواره های بین المللی رقابتی موسوم به الف لاقدر رئیس هیأت داوران از مدت ها قبل اعلام می شود، جشنواره فیلم فجر اسامی اعضای هیأت داوران را بسیار نزدیک به زمان برگزاری اعلام می کرد که مهم ترین دلیلش همان محلی بودن جشنواره و در نتیجه لزوم انتخاب اعضای هیأت داوران از میان کسانی بود که فیلمی در جشنواره نداشتند.

اعلام نام رئیس هیأت داوران در یک جشنواره بین المللی رقابتی هم جزئی از مراسم جشنواره است و هم بهانه ای برای گمانه زنی رسانه ها درباره رویکرد احتمالی اعضای هیأت داوران که معمولاً در یک جشنواره بین المللی رقابتی توسط رئیس هیأت داوران انتخاب و اعلام می شوند. جدا از این، بخشی از اعتبار جشنواره به شهرت اعضای هیأت داوران برمی گردد که در عین حال فرصتی را در اختیار هیأت داوران می گذارد تا اعتبار خود را تثبیت کنند یا ارتقا دهند؛ چنان که اسامی هیأت داوران تا حدی رضایت حامیان مالی جشنواره را نیز تأمین می کند.

جشنواره «ملی» فیلم فجر البته به واسطه محلی بودن از بسیاری از این فرصت ها چشم پوشیده و به همان فرمول قدیمی هیأت داورانی وفادار مانده که شامل گروهی از اهالی سینما می شود که فیلمی در جشنواره ندارند و همچنین تعدادی از مدیران فرهنگی تارزایت دولتی ها و دیگر سازمان های وابسته را نیز جلب کند. جشنواره تا امروز هیأت داوران ندارد؛ همچنان که هیأت انتخاب نداشت؛ همچنان که سنت های فراوان دیگری نیز نداشت.

پس آیا همچنان که دبیر تک سوار جشنواره، فیلم ها را انتخاب کرد، قرار است برندگان را نیز اعلام کند؟ تا امروز پاسخ این سؤال را نمی دانیم. شاید مانند چند دوره پیش قرار است اعضای هیأت داوران ناگهان در شب اختتامیه همچون خرگوش از کلاه بیرون بیایند اما همچنان انگار این جشنواره قرار است به همین وضع، با حداقل حاشیه و ماجرا برگزار شود. می توان حدس زد که هیچ کس به اندازه برگزار کنندگان این دوره از جشنواره برای پایش روز شماری نمی کند.

بازیگران تجربه تئاتری ملاک نبود. می خواستم کاراکترها به شخصیت هایی که در داستان حضور دارند، نزدیک باشند. امین حیایی بازیگر توانمند و شناخته شده ای است که ۳۰ سال در رده الف سینما حضور دارد. آن موقع که فیلمنامه «بیلپورد» نوشته می شد، هنوز رسول صدرعاملی «زیبا صدایم کن» را نساخته بود. من آن زمان بازی حیایی را در فیلم های «شعله ور» و «قاتل و وحشی» دیدم. حیایی بازی بکر و منحصر به فردی دارد که همان زمان احساس کردم می تواند کاراکتر ما را در «بیلپورد» نمایان کند. از دیگر بازیگران ما آناهیتا درگاهی است که البته بازیگر تئاتر بوده و در این فیلم بازی سختی دارد. دیگر بازیگران، همه تئاتری هستند.

امسال تعداد فیلم اولی ها بیشتر است. به نظر تنوع موضوعی در فیلم های حاضر در جشنواره دیده می شود. فکر می کنید «بیلپورد» کشش لازم برای دیده شدن را دارد؟
این فیلم شبیه خودش است. اصولاً در سینمای ایران ۳ ژانر جنگی، کمدی و اجتماعی داریم. در فیلم های اجتماعی ما مضامینی که استفاده می شود معمولاً دعوای خانوادگی و یا اتفاقاتی است که در جنوب شهر خلاصه می شود و یا داستان حول محور مسائل جنایی پیش می رود که البته همه اینها قابلیت پرداختن دارد. به نظر من «بیلپورد» یک فیلم متفاوتی می تواند باشد که همین متفاوت بودن را مخاطبان با تماشای فیلم تشخیص می دهند.

گفتید که تجربه سخت و در عین حال خوشایندی از فیلم «بیلپورد» داشتید. آنقدر حالتان با فیلم خوب است که به فکر ساخت فیلم دوم هم باشید؟
بله، حتی فیلمنامه فیلم دوم را هم آماده کرده ام و راستش نگاه بلندمدت تری برای حضور در سینما دارم. نسبت به ساخت فیلم «بیلپورد» با همه سختی هایش نیز حالم خوب است و فکر می کنم جای این فیلم و سبزه های که دارد در میان فیلم ها خالی است.

“

«بیلپورد» یک فیلم معمایی است و براساس ایده ای که سال ها در ذهن داشتم، ساخته شد. علاقه داشتم فیلمی بسازم که یک قصه را روایت کند و ارتباط با سینما داشته باشد؛ اینکه زندگی یک هنرمند به چه شکل است و یک سلبریتی نسبت به شرایطی که دارد به لحاظ زندگی خانوادگی و شخصی چگونه است. براساس این ایده یک خطی با نویسندگان گفت و گوهایی داشتیم و در نهایت دوستان نسخه تکمیل شده این ایده را نوشتند

شما سال ها به عنوان بازیگر و کارگردان روی صحنه تئاتر بودید. با توجه به تولید چند فیلم کوتاه و مستند، ساخت فیلم بلند اول شما می تواند یک کوچ از تئاتر به مدیوم سینما در طولانی مدت باشد؟

راستش این یک کوچ بلندمدت نیست. من از همان ابتدا که تئاتر را شروع کردم به موازات فعالیتیم در تئاتر، فیلم کوتاه و مستند ساختم و دغدغه کارگردانی در سینما همراهم بود. قرعه ساخت فیلم بلند در سال ۱۴۰۴ به نام من افتاد و از مدت ها پیش ایده یک خطی فیلم «بیلپورد» را در ذهن داشتم اما نمی توانم بگویم با ساخت فیلم بلند یک کوچ از تئاتر به سینما دارم، چرا که شاید این کوچ برعکس هم باشد و من بعد از این فیلم باز هم یک تئاتر بازی کنم و یا کاری را روی صحنه ببرم.

با توجه به شرایط موجود تجربه ساخت «بیلپورد» به چه شکل بود؟

به نسبت شرایط امسال و مسائلی که ایجاد شد و همچنین وضعیت اقتصادی و تورم در ساخت «بیلپورد» سختی هایی داشتیم. «بیلپورد» یک فیلم مستقل در میان فیلم های انتخاب شده فجر است. این فیلم نه ارگانی و نه سازمانی است و با توجه به شرایط اقتصادی تولید شد و به سرانجام رسید. تهیه کنندگان و سرمایه گذاران پای این فیلم ایستادند. شرایط ساخت فیلم اجتماعی مستقل بسیار سخت است.

«بیلپورد» در تهران فیلمبرداری شده است؟
بله، «بیلپورد» یک فیلم پر لوکیشن شهری با یک سوژه ملتهب است و با توجه به زمانی که برای تولید فیلم داشتیم، گروه شبانه روز تلاش کرد.

گفتید که ایده یک خطی «بیلپورد» را داشتید، پروسه نگارش فیلمنامه چگونه بود؟ چقدر خودتان در زمان نگارش فیلمنامه حضور داشتید؟
«بیلپورد» یک فیلم معمایی است و براساس ایده ای که سال ها در ذهن داشتم، ساخته شد. علاقه داشتم فیلمی بسازم که یک قصه را روایت کند و ارتباط با سینما داشته باشد؛ اینکه زندگی یک هنرمند به چه شکل است و یک سلبریتی نسبت به شرایطی که دارد به لحاظ زندگی خانوادگی و شخصی چگونه است. براساس این ایده یک خطی با نویسندگان گفت و گوهایی داشتیم و در نهایت دوستان نسخه تکمیل شده این ایده را نوشتند.

در فیلم اول شما امین حیایی بازی می کند. انتخاب او به چه شکل بود؟ آیا با توجه به پیشینه تئاتری که داشتید، نخواستید یک بازیگر تئاتر را به عنوان بازیگر نقش اصلی انتخاب کنید؟
فارغ از سابقه بازیگری امین حیایی که پیشینه تئاتری دارد، برایم در انتخاب



است؛ مخصوصاً در خانه ای که ممکن است بین فرزندان قهری ایجاد شود. او یکی از دلسوز ترین انسان هایی است که در زندگی دیده ام. او پدری است که نگران خانه و فرزندان خود است. جای فرشته طائر پور به عنوان مادر سینما امروز خالی است. امیدوارم سایه منوچهر محمدی بر سر این کشور مستدام بماند.

نماینده ای از سینمای نجیب، دردمند و مظلوم ایران

■ **منوچهر محمدی:** درباره این زحمتی که دوستان جشنواره کشیدند و جوایز من را نشان دادند، باید بگویم این جوایز را به نمایندگی از سینمای نجیب، دردمند و مظلوم ایران گرفتم و برای من نیست. همانطور که توضیح دادند فکر ساخت «سرزمین فرشته ها» را در سال ۱۴۰۲ روی کاغذ آوردم و اواخر ۱۴۰۳ عملیاتی شد؛ در این زمینه ۲۰۰۰ نفر گوار با درایت و مدیریت، من و آقای خواجه پاشا را کمک کردند و اعتماد کردند؛ یکی خانم مریم پیرکاری به نمایندگی از سازمان تصویر شهر و دیگری آقای حمیدرضا جعفریان به نمایندگی از سازمان سینمایی سوره و این امکان فراهم شد که این اثر را بسازیم.

مستند دراماتیک

«آگیرا» به روایت سازنده‌اش



محمدصادق اسماعیلی



قصه این فیلم در حاشیه شهر کرمان شکل می‌گیرد و درباره پسری به نام علی است که در همان روز تولد، از یکی از بیمارستان‌های این شهر ربوده می‌شود. علی سال‌ها با افرادی زندگی کرده که خود را خانواده‌اش معرفی می‌کردند، اما در حدود ۲۰ سالگی متوجه می‌شود این افراد در واقع ربایندگان او بوده‌اند و از همین نقطه، مسئله هویت به مهم‌ترین دغدغه و محور زندگی‌اش تبدیل می‌شود. فرایند پژوهش و فیلمبرداری «آگیرا» از سال ۱۳۹۹ آغاز شد و نزدیک به ۵ سال به طول انجامید. از همان ابتدا تلاش کردیم خیلی زود وارد زندگی سوژه شویم و این مسیر را به‌صورت پیوسته و بلندمدت دنبال کنیم تا جست‌وجوی علی برای یافتن نشانه‌ای از هویت واقعی‌اش، در دل زمان و تحولات زندگی‌اش روایت شود. کلیت درام فیلم بر تلاش انسانی یک فرد برای بازشناسی خود، گذشته‌اش و جایگاهش در جامعه استوار است. یکی از مهم‌ترین چالش‌های ما، وضعیت روحی و روانی سوژه بود. علی در شرایطی به‌شدت پر تنش قرار داشت و فشارهای روانی ناشی از بی‌هویتی، باعث می‌شد در مقاطعی از وضعیت عادی خارج شود. در سینمای مستند اجتماعی، فیلمساز همواره با این مسئله مواجه است که تاچه حدمی توانم به لایه‌های مختلف روانی، اجتماعی و زیستی سوژه نزدیک شود و این توازن، کار بسیار دشواری است. پرونده علی وارد دستگاه قضایی شد و روند آن بسیار حساس و چندلایه بود. حمایت و همراهی دستگاه قضایی استان کرمان، نقش بسیار مهمی در امکان ادامه مسیر پژوهش و ساخت فیلم داشت. اگر این همکاری و همراهی وجود نداشت، عملاً امکان ساخت «آگیرا» فراهم نمی‌شد و این حمایت، از نظر من شایسته توجه و قدر دانی است. این فیلم ساختار دراماتیک روشنی دارد و می‌تواند حتی برای مخاطبانی که به قصد سرگرمی وارد سالن می‌شوند، جذاب باشد. همذات‌پنداری با شخصیت‌ها، دنبال کردن یک روایت واقعی و مواجهه با مسائل اجتماعی ملموس، از ویژگی‌های ذاتی مستند است که می‌تواند مخاطب را تا پایان با خود همراه کند. سینمای مستند، حتی اگر مخاطب محدودتری داشته باشد، می‌تواند در همان مقیاس نیز اثرگذار باشد. امیدوارم افزایش امکان نمایش و گفت‌وگو درباره مستندها، به تدریج به تقویت باورپذیری مخاطب و جایگاه اجتماعی این گونه سینمایی منجر شود؛ چرا که مستند، بیش از هر چیز، تلاشی برای گفت‌وگو با جامعه و بازتاب واقعیت انسانی است.



متفاوت‌ترین فیلم جشنواره را ساخته‌ایم

گفت‌وگو با جواد حسینی، کارگردان فیلم «رقص باد»

شقایق عرفی‌نژاد

چند دهه اخیر می‌داند. حسینی پیش از این به‌عنوان دستیار و برنامه‌ریز و در کارهای دیگری به‌عنوان کارگردان دوم حضور داشته است، از جمله سریال‌های «چک برگشتی»، «مادرانه»، «عاشقانه» و این اواخر سریال «الگوریت». با او درباره نخستین فیلمش با بازی علیرضا شجاع نوری، سودابه بیضایی، ماهور الوند و رضا تامری صحبت کردیم.

برسید؟

جسته‌گریخته چیزهایی دیده‌ام که فیلم‌های عجیب و غریبی نبوده‌اند. درباره فیلم‌اولی‌ها هم نقدهایی خوانده‌ام، اما خودم فیلمی ندیده‌ام.

درباره ایده فیلم و پرداخت آن صحبت کنیم.

ایده فیلم متعلق به آکو زندکیمی است که با هم به آن رسیدیم. اما آنچه روی پرده می‌بینید با آن ایده اولیه خیلی متفاوت است. آن ایده را وقتی به تهیه‌کننده دادیم، با کلیت آن موافق بود و قرار شد گسترش پیدا کند و نکاتی هم که تهیه‌کننده پیشنهاد داده بود در آن گنجانده شود. با بیژن میرباقری که مشاور من در پروژه بود، همفکری کردیم و در نهایت به یک ایده اولیه کامل رسیدیم و حسین مهکام آن را نوشت. اگر این فیلم یک توضیح یک خطی داشته باشد، این است که گاهی مجبوری برگردي، حتی اگر خیلی دور شده باشی.

شما بازیگران شناخته‌شده‌ای دارید و به‌خصوص علیرضا شجاع نوری پس از مدت‌ها با فیلم شما دوباره به بازیگری برگشته است.

آقای شجاع نوری نخستین بازیگری بود که انتخاب شد. روزی که او به دفتر آمد در همان لحظه اول دیدم یونس فیلم ما پیدا شده است. در وجات و چشم‌هایشان یونس را دیدم و به آقای صفری، تهیه‌کننده گفتم من هیچ کس دیگری را برای این نقش نمی‌خواهم. نخستین کسی بود که با او به توافق رسیدیم و بسیار بازیگر حرفه‌ای و انسان شریفی است. در همان لحظه‌ای که در دفتر او را دیدم تا آخر کار پای آن ایستاد و با نقش زندگی کرد. حتی ساعت ۲ نیمه‌شب به من پیام می‌داد و از ایده‌هایش برای نقش می‌گفت. با خودم تحسینش می‌کردم که اینقدر درگیر کار است. خانم الوند و بیضایی هم هر دو بسیار همراه بودند و در جلسات دورخوانی ایده‌های بسیار خوبی می‌دادند. به نظر من، فیلمسازی یک کار گروهی است و اینطور نیست که فقط نظر من به‌عنوان کارگردان مطرح باشد. من تمام پیشنهادها را گوش می‌کنم. اگر به کار آمد، اجرا می‌کنم، وگرنه توضیح می‌دهم که به این دلایل این پیشنهاد مناسب نیست.

فکر می‌کنید روز اکران فیلم در جشنواره چه اتفاقی برایتان بیفتد؟

من می‌دانم متفاوت‌ترین فیلم جشنواره را ما ساخته‌ایم. هم از نظر فضایی که سمت آن رفتیم و هم از نظر جغرافیایی که در فیلم هست و هم مضمونی که به آن پرداخته‌ایم فیلم متفاوتی است. من از تمام عوامل پروژه تشکر می‌کنم.

جواد حسینی یکی دیگر از فیلمسازانی است که نخستین تجربه کارگردانی‌اش امسال در جشنواره نمایش داده می‌شود. «رقص باد»، آنطور که سازنده‌اش می‌گوید، یک عاشقانه است با ریتمی کند که آن را تجربه جدیدی در سینمای ایران در

تجربه نخستین فیلم برایتان چطور بود؟

ما سراغ سوژه‌ای رفتیم که در چند سال اخیر در سینمای ایران وجود نداشته است. بچه‌هایی که نخستین فیلمشان را قصد دارند بسازند یا مجبور می‌شوند سراغ سوژه‌ای کم‌دردی بروند یا فیلم‌های ملودرام اجتماعی پایین‌شهری یا ضربه‌های بالا یا سوژه‌های سیاسی را انتخاب می‌کنند. ولی ما یک فیلم عاشقانه با ریتم کند و در ژانر رئالیسم جادویی کار کردیم که برای من ویژگی مثبتی محسوب می‌شود.

برای ساخت فیلم با چه مشکلاتی روبه‌رو بودید؟

مهم‌ترین مشکل برای تقریباً تمام فیلمسازان جذب سرمایه است. حتی کارگردانان بزرگ هم این چالش را دارند و طبیعی است برای کارگردانی که فیلم اولشان را کار می‌کنند مشکل بسیار بزرگ‌تر است. مشکل بعدی برای من همین رئالیسم جادویی بود که سرافش رفته بودم. چون در ایران این سبک کمتر کار می‌شود و ناشناخته است، در بسیاری از مواقع عوامل به من می‌گفتند منطق ندارد. در صورتی که رئالیسم جادویی منطق خودش را دارد.

جشنواره امسال مثل ۲ سال گذشته پر از فیلم‌اولی است.

به نظر تان این اتفاق چطور است؟

پیش از این، بخش نوعی نگاه را داشتیم که ۱۱ فیلم قبول می‌کرد و از میان آنها ۴ یا ۳ فیلم به بخش سودای سیم‌راه پیدا می‌کرد. اما امیدوارم شرایط جدید برای ما فیلم‌اولی‌ها به دلیل کیفیت فیلم‌ها باشد و مثلاً از کارگردانی که چند فیلم ساخته فیلم بهتری ساخته باشیم که در جشنواره پذیرفته شده است.

خودتان فیلمی در جشنواره دیده‌اید که بتوانید در این باره به نتیجه‌ای



«رقص باد» هم از نظر فضایی که سمت آن رفتیم و هم از نظر جغرافیایی که در فیلم هست و هم مضمونی که به آن پرداخته‌ایم فیلم متفاوتی است

بلان

گلایه سازندگان فیلم «قمارباز»

جابه جایی بدون هماهنگی و
موافقت سازندگان فیلم، حکم
تضییع حقوق فیلمسازان را دارد

جابه جایی سانس های فیلم های فجر بلافاصله پس از انتشار جدول نمایش فیلم های فجر و چهارم آغاز شد و در روزهای بعد نیز همچنان ادامه یافت؛ چنان که رفت و آمد فیلم ها در بخش سودای سیمرخ نیز تا چند روز پس از آغاز جشنواره هم ادامه یافت. پیش از شروع جشنواره اعلام شد «خجستگانی که در جنگ ملاقات کردم» ساخته امیر شهاب رضویان به فجر نمی رسد و جایش «عروس چشمه» به کارگردانی فریدون نجفی به مسابقه راه یافت و پس از آن به روایت بر گزار کنندگان جشنواره، این فیلم رزرو هم به فیلم فجر نرسید و جایش را به فیلم دیگری داد. در باره بقیه فیلم ها هم جابه جایی هایی در نمایش فیلم ها صورت گرفت که سروصدای سازندگان برخی فیلم ها را در آورده است. عوامل فیلم سینمایی «قمارباز» از جابه جایی اکران این اثر در جدول چهارمین جشنواره فیلم فجر گله کردند. در متنی که روابط عمومی فیلم در اختیار رسانه ها قرار داده، چنین آمده است: فیلم سینمایی «قمارباز» به کارگردانی محسن بهاری و تهیه کنندگی سجاد نصراللهی نسب، یکی از آثار حاضر در چهل و چهارمین دوره جشنواره فیلم فجر است. طبق برنامه اولیه اعلام شده توسط دبیرخانه جشنواره، این فیلم قرار بود در تاریخ ۱۹ بهمن در پردیس سینمایی ملت و ۲۰ بهمن در سالن برج میلاد به نمایش درآید اما در تاریخ ۱۱ بهمن، دبیرخانه به طور ناگهانی زمان اکران را به ۱۲ و ۱۳ بهمن تغییر داد و این تغییر بدون هماهنگی و موافقت تیم سازنده انجام شد. عوامل فیلم از طریق رسانه ها از این جابه جایی مطلع شدند و بلافاصله برای پیگیری به دبیرخانه مراجعه کردند. طبق اظهارات دبیر جشنواره، دلیل این تغییر عدم آماده سازی فیلم سینمایی «خواب» اعلام شد و زمان اکران «قمارباز» با فیلم «خواب» به صورت خودسرانه جابه جا شد. با این حال، اتفاقات بعدی نشان دهنده تناقض در این توضیح بود. در روز ۱۲ بهمن، فیلم «قمارباز» طبق برنامه جدید در پردیس ملت به نمایش درآمد اما در روز ۱۳ بهمن در برج میلاد، بر خلاف برنامه تغییر یافته، فیلم «خواب» (طبق زمانبندی اولیه دبیرخانه) اکران شد و «قمارباز» نمایش داده نشد. پیگیری عوامل «قمارباز» از مسئولان برج میلاد حاکی از آن است که نسخه فیلم به موقع به جشنواره تحویل داده شده بود و مسئولان فنی سالن نیز طبق برنامه اولیه اقدام به پخش کردند. این موضوع نشان می دهد فیلم «خواب» بر خلاف ادعای اولیه، آماده نمایش بوده و دلیل اعلام شده برای جابه جایی اکران، پایه و اساس محکمی نداشته است. تیم سازنده طی ۲ روز گذشته بارها از دبیرخانه جشنواره و شخص دبیر، توضیح رسمی و شفاف درباره علت واقعی این تغییر و تضییع حقوق عوامل فیلم مطالبه کرده اند، اما تاکنون هیچ پاسخ روشنی دریافت نکرده اند.



روزنامه چهل و چهارمین
جشنواره بین المللی فیلم فجر

44nd
FAJR INTERNATIONAL
FILM FESTIVAL
پنجشنبه ۶ بهمن ۱۴۰۴ - شماره ۶



«ماکارونی» بند قلبی که پاره می شود

◀ مریم پیرکاری - مدیرعامل موسسه تصویر شهر و روانشناس بالینی



«سرزمین فرشته ها» روایت سرزمینی است که در آن فرشتگان از آسمان فرود می آیند، کودک می شوند و کودکان، پس از عبور از رنج، دوباره فرشته می شوند و به آسمان بازمی گردند؛

چرخه ای که خیال پردازی نیست، بلکه استعاره ای عمیق از تجربه زیسته کودک در متن جنگ است.

سرزمین فرشته ها آگاهانه خود را از ایدئولوژی، مبانی دنیایی و مرزبندی های سیاسی کنار می کشد و درباره کودکان در جنگ شاعرانه سخن می گوید. جنگ در این فیلم نه فقط یک

موقعیت سیاسی، بلکه تلنگری است به جهان درونی تمام مخاطبانی که وجدانشان را نخواهند داشت، بلکه به خواب زده اند.

«ضحی» به عنوان کاراکتری که برای بقای خود و کودکان می کوشد، جهان را فانتزی تعریف می کند و جلوتر، شهر را با موشک و بمب و آتش

به «شهر بازی» بدل می سازد؛ شهری که سرنوشت و شهروندانش، برای بیگانگان مهاجم، چیزی جز یک بازی نیست.

او واقعیت را انکار نمی کند، بلکه آن را به شکلی قابل تحمل بازآفرینی می کند. مهاجمان صهیونیست، غول هایی هستند که برای کودکان عینیت ندارند، اما با تولید صداهای هولناک، وحشت

می آفرینند؛ وحشتی که جهان کودکان را می لرزاند؛ کودکانی که ساده و عریان، در گیر ابتدایی ترین نیازهای انسانی اند و با گر سنگی، تشنگی و فقدان دست و پنجه نرم می کنند و اوج این مواجهه، سکانس واژگونی «ماکارونی» است که فقط یک اتفاق روایی نیست؛ بلکه لحظه ای است که بند دل مخاطب پاره می شود، چون فیلمساز بی واسطه به غریزه بقا دست می زند.

ترکیب منوچهر محمدی و بابک خواجه پاشا، هوشمندی در تألیف و ساخت را دوچندان کرده است؛ پیوند تجربه و جسارت، سرزمین فرشته ها را به اثری انسانی، اخلاقی و ماندگار تبدیل می کند.



رسانه کارگردانان

خانه‌ها و خیابان‌ها



علیرضا محمودی



در بیست و پنجمین جشنواره فیلم فجر بعد از نمایش فیلم «پارک وی»، دهمین فیلم کارنامه کارگردانی فریدون جیرانی، خبرنگارانی که برخی از آنها سابقه همکاری با کارگردان در دوران روزنامه‌نگاری او را داشتند، نمی‌توانستند خود را متقاعد کنند که تجربه جیرانی برای ساخت یک اسلشر فارسی اگر موفق هم نباشد، از منظر تاریخی مهم است. نمی‌توان به کسی خرده گرفت که پس از پایان نمایش فیلم به جای احساسی که همان لحظه از فیلم دارد به این فکر کند که در آینده درباره فیلم‌ها چه خواهند گفت. اما جیرانی به عنوان روزنامه‌نگار - مورخ همیشه سعی کرده که پدیده‌های سینمای ایران را از منظر تاریخی - سیاسی توضیح بدهد؛ روشی که فقط بخشی از آن به زیبایی‌شناسی فیلم‌های ایرانی و سلیقه مخاطب اختصاص دارد و بخش عمده آن توضیح سینمای ایران با رجوع به تاریخ معاصر است. با روشی که جیرانی در توضیح تاریخ سینمای ایران دارد توضیح دادن اهمیت پارک وی به عنوان یک اسلشر فارسی در کارنامه پرفراز و نشیبش که در میانه دهه ۱۳۸۰ ساخته شده، پیش‌بینی التهابی خشن است که اکنون التهاب روابط تغییر شکل یافته خانواده ایرانی است. برخلاف جلسه نمایش مطبوعاتی فیلم که منتقدان و نمایندگان رسانه‌ها به هیچ وجه زیر بار توضیحات جیرانی نرفتند، اما مخاطبان سینمای ایران در تهران و شهرستان‌ها فیلم جیرانی را به عنوان یک اسلشر خود ساخته آنقدر پذیرفتند که پارک وی فیلمی ناموفق از کار در نیامد. این وجه از کار کارگردانان در سینمای ایران که فیلم‌هایشان توسط منتقدان شکست خورده به نظر می‌رسد، اما در سرنوشت تجاری فیلم‌ها اتفاق دیگری می‌افتد، نشان می‌دهد که تاریخ سینمای ایران اغلب در نوشته‌های مطبوعاتی روز رقم نمی‌خورد. مطبوعات‌ها در هر دوران بیشتر از بخش پنهان جامعه به آن چیزهایی می‌پردازند که در نمود و نمایش آن به خیابان‌ها درز کرده باشد. روزنامه، رسانه خیابان است. پارک وی درباره خشونت رایج در اتاق‌ها و راهروهای یک خانه بود و پیش‌بینی آن چیزی که فیلم عرضه می‌کرد برای هر روزنامه‌نگاری قفل بود؛ حتی برای کسی که عادت دارد تاریخ سینمای ایران را نه از اتفاقات خانگی که از سیاست‌های خیابانی روایت کند.

شب عاشقان بی‌دل

«مارون» و «دختر پری خانوم» در پردیس ملت به نمایش درآمدند



عکس‌نوشت

روزگار فراموش شده شهر قصه

سینما شهر قصه پشت سینما آزادی در خیابان خالد اسلامبولی یکی از مهم‌ترین سینماها هنگام برپایی جشنواره فیلم فجر در دهه اول برگزاری این رویداد بود. شهر قصه در چند دوره از نمایندگان رسانه‌ها در جشنواره میزبانی می‌کرد و در چند دوره سینمای نمایش دهنده فیلم‌های برگزیده بخش مسابقه بین‌الملل و بخش‌های خارجی مانند جشنواره جشنواره‌ها و بخش‌های مرور محسوب می‌شد. همیشه صف‌های انبوه علاقه‌مندان در پشت سینما آزادی زیر پرچم کشورهایی که فیلمی در جشنواره داشتند تصویری از زنده بودن سینما در مرکز شهر از خود برجای می‌گذاشت. این عکس را عطاالله طاهر کناره، عکاس روزنامه همشهری در بهمن سال ۱۳۷۲ مقابل سینما شهر قصه که میزبان چند بخش خارجی جشنواره بود، برداشته است.

